

# فرهنگ شیطان

دوزبانہ

آمبروز بیرس

ترجمہ

رضی ہیرمندی



فرهنگ معاصر  
چاپ و نشر

پیشگفتار کنایه آمیز امروز بی‌رس  
بر فرهنگ شیطان، چاپ ۱۹۱۱

فرهنگ شیطان در سال ۱۸۸۱ در یک مجله هفتگی آغاز شد و تا سال ۱۹۰۶ به‌طور پراکنده و با فاصله ادامه یافت. در این سال بخش بزرگی از آن به صورت کتاب و با عنوان واژه‌نامه آدم بدبین به چاپ رسید و این نامی بود که مؤلف نه قدرتِ رد آن را داشت و نه سعادت تأیید آن را. به گفته ناشر اثر حاضر:

این نام محترمانه‌تر از فرهنگ شیطان را دغدغه‌های مذهبی آخرین روزنامه‌ای که بخشی از کتاب در آن آمده بود پیشاپیش بر نویسنده تحمیل کرده بود و پی‌آمد طبیعی‌اش این بود که قبل از انتشار این نوشته به صورت کتاب، جماعت کتاب‌ساز سرتاسر کشور را با ده‌ها «بدبین» نامه پر کرده بودند: فلان نامه آدم بدبین، بهمان نامه آدم بدبین و هكذا نامه آدم بدبین. بیشتر این تقلیدنامه‌ها احمقانه بود، اگر چه برخی از آنها نشان سبک مغزی نیز با خود داشتند. باری، چنان آبرویی از واژه «بدبین» بردند که هر کتابی این اصطلاح را برخورد داشت پیشاپیش بی اعتبار شده بود.

نیز در همین گیرودار، برخی از طنزپردازان جسور و مبتکر کشور بر سر این خوان یغما نشسته و به قدر نیاز از آن برخوردار شده بودند و دیگر بسیاری از تعاریف، لطایف و جملات آن ورد زبان همگان شده بود. ادای این توضیح نه به جهت اثبات فضل تقدم در چیزهای ناقابل بلکه صرفاً به خاطر تبرّاً از سرقت ادبی است که البته امر ناقابلی نیست. نگارنده این فرهنگ که دنباله کار خویش گرفته است امید آن دارد که حضرات روشن‌بینی که این کتاب روی سخن با ایشان دارد حکم بر بی‌گناهی‌اش

آتش بس

دوستی.

أجودان

در ارتش به افسری دون رتبه گفته می‌شود که دائم در حال ورجه وورجه است و وظیفه منحرف کردن توجه از فرمانده‌اش را برعهده دارد.

آداب معاشرت

مجموعه‌ای از ملاحظات و آداب و تشریفات که عوام به اتکای آن مطالبه نرمش و مدارا می‌کنند.

اعتبارنامه ابلهان.

\* ----- \*

Truce, n.

Friendship.

Adjutant, n.

In military affairs, a bustling officer of inferior rank, whose function it is to divert attention from the commander.

Etiquette, n.

A code of social ceremonies and observances constituting a vulgarian claim to toleration. The fool's credentials.

(آدم) پاک

(آدمی) که پلیس او را هنوز شناسایی نکرده.

آدمربایی

از نظر قانون یکی از انواع جنایت؛ از لحاظ معنوی یکی از اقسام مکافات.  
- دعوت کردن و منتظر جواب طرف نماندن.

آدمکشی (= قتل نفس)

کشته شدن انسانی به دست انسانی دیگر بر چهار قسم است: ۱. جنایتکارانه  
۲. قابل گذشت ۳. موجه ۴. قابل ستایش. البته این که قتل بر مبنای کدامیک از این  
اقسام صورت گرفته باشد ظاهراً به حال مقتول تفاوت زیادی نمی‌کند. در نتیجه  
این تقسیم‌بندی بیشتر به درد وکلای می‌خورد.

\* ----- \*

**Immaculate, adj.**

Not as yet spotted by the police.

**Abduction, n.**

In law, a crime; in morals, a punishment.

-, n. A species of invitation without persuasion.

**Homicide, n.**

The slaying of one human being by another. There are four kinds of homicide: felonious, excusable, justifiable and praiseworthy, but it makes no great difference to the person slain whether he fell by one kind or another - the classification is for advantage of the lawyers.